



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم در بحث وجوب امر به معروف و نهی از منکر دو قول وجود دارد؛ اول واجب کفائی است و دوم واجب عینی است، در هر حکمی اول باید موضوع را مشخص کنیم و بعد درباره حکمش بحث کنیم مثلاً درباره سفر اول باید سفر را با شرایطش در نظر بگیریم و بعد ببینیم آیا حکم وجوب قصر بر این سفر محقق است یا نه، در مانحن فیه نیز حکم وجوب است حالا عینی یا کفائی اما موضوع امر به معروف و نهی از منکر می باشد که باید دقت کنیم تا کاملاً برای ما روشن شود، گفتیم امر به معنای حمل است یعنی وادار ساختن و ایجاد انگیزه قولاً و فعلاً و نهی نیز به معنای بازداشتن است حالا به هر شکلی.

معروف یعنی مطلق ارزش های اسلامی که بسیار وسیع می باشد زیرا اسلام ارزش های فراوانی دارد، برخی مربوط به ایمان و اعتقاد است که یک امر قلبی می باشد و امور اخلاقی مربوط به روحیه افراد است و بعد در خارج امور سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و فردی و روحی و بدنی وجود دارند لذا امر به معروف باید به گونه ای باشد که شامل تمام این اقسام بشود.

بحث دیگر اینکه معروف در امر به معروف اعم از ایجاد آن و اعداد یعنی زمینه سازی آن است یعنی برخی از معروف ها الان وجود ندارند اما باید زمینه سازی شود تا در آینده ایجاد بشوند و هکذا تشکیلات و مقدمات فراوانی برای بوجود آمدن بسیاری از کارهای خوب لازم می باشد، و همچنین منکر نیز اعم از دفع و رفع است، اعدام الشیء بعد وجوده رفع است اما دفع یعنی اینکه

مقدماتی فراهم شود و موانعی ایجاد شود تا اینکه آن منکر در زمان خودش ایجاد نشود خلاصه اینکه ما با این وسعت باید به معروف و منکر نگاه کنیم که اگر اینطور شد می بینیم که باید واجب عینی باشد بر هر فردی و از تعدادی از افراد به تنهایی ساخته نیست و بر نمی آید.

صاحب جواهر در جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی قائل به وجوب کفائی شده، ایشان بعد نقل کلام محقق در شرایع که فرموده "بل علی الأعیان" و قائل به وجوب عینی شده در توضیح کلام ایشان می فرمایند "لأصالة العينية" که درست است زیرا اصل در وجوب آن است که عینی باشد نه کفائی تعیینی باشد نه تخییری توصلی باشد نه تعبدی زیرا اینها قید لازم دارند و اگر ما در آن قید شک کردیم طبق اصالة الاطلاق می گوئیم عینی است نه کفائی تعیینی است نه تخییری توصلی است نه تعبدی، در اینجا نیز چونکه در قران و روایاتمان به طور مطلق گفته شده امر به معروف و نهی از منکر کنید و چون مطلق است اصل بر عینیت می باشد یعنی اصل بر این است که بر کل احد من الکلفین واجب عینی باشد اما در عین حال تعدادی از علماء مثل سید مرتضی و علامه در منتهی و تذکرة گفته اند واجب کفائی می باشد و همچنین صاحب جواهر نیز فرموده واجب کفائی می باشد و در مورد اصل فرموده درست است که اصل بر عینیت است ولی این اصل منقطع می شود زیرا اصل در جائی جاری می شود که دلیل اجتهادی در مقابلش نباشد در حالی که در اینجا دلیل اجتهادی وجود دارد لذا چنین اصلی جاری نمی شود ایشان و دیگران که قائل به وجوب کفائی شده اند در توضیح کلامشان فرمودند ما می دانیم غرض یک چیز خاصی است که اگر از هر کسی حاصل شود کافی می باشد و بعد به احکام اموات مثال می زنند که اگر

تعدادی این کار را انجام بدهند غرض حاصل شده و دیگر نیازی نیست همه اقدام کنند و اصلاً چنین چیزی ممکن نیست که همه بالید اقدام کنند البته اگر هیچکس نرود همه عند الله تعالی مسئول خواهند بود چون همه مخاطب بوده اند و اما در ما نحن فیه نیز از این جهت می گوئیم واجب کفائی چونکه غرض آن است که معروف محقق شود و منکر رفع بشود لذا اگر عده ای قیام کردند برای تحقق آن معروف و یا رفع منکری قطعاً غرض حاصل شده لذا باید واجب کفائی باشد درواقع ایشان ما نحن فیه را بسیار کوچک شمرده و با احکام اموات مقایسه کرده است، اما عرض ما این است که اول باید موضوع مشخص شود و بعد در حکمش بحث شود اینها موضوع معروف و منکر را خیلی کوچک تصور کرده اند درحالی که معروف یعنی هر چیزی که نزد شارع مقدس ارزش محسوب می شود و منکر یعنی هر چیزی که شارع مقدس آن را ضد ارزش می داند پس ما باید معروف هایی را در نظر بگیریم که اعم از ایجاد و اعداد هستند و همچنین منکراتی را در نظر بگیریم که اعم از رفع و دفع هستند که این بسیار وسعت پیدا می کند و تا تمام مردم برای انجام قیام نکنند قطعاً محقق نخواهند شد لذا واجب عینی می باشد و در آن روایت که قبلاً خواندیم حضرت باقر علیه السلام فرمودند: "فريضة عظيمة بما تقام الفرائض، وتأمين المذاهب، وتحل المكاسب، وترد المظالم، وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء، ويستقيم الأمر" تمام موارد جمع محلی به الف و لام هستند که افاده عموم می کنند و این یک مسئولیت همگانی و جهانی لازم دارد و مثل مسئله دفن اموات نیست که عده ای بتوانند انجام بدهند و کافی باشد شاید مهم ترین بحث در فقه ما همین مسئله امر به معروف و نهی از منکر باشد بنابراین مهم ترین اشکال ما به صاحب جواهر و علامه در منتهی و تذکره همین است که

موضوع را خیلی کوچک تصور کرده اند و آن طور بحث کرده اند اما از نظر ما امر به معروف و نهی از منکر بر کل أحد واجب عینی با همین وسعت که عرض شد می باشد.

مطلب دیگر اینکه برخی از معروف ها امور قلبی هستند مثلاً بر همه مردم واجب است که ایمان و اعتقاد داشته باشند خب امور قلبی بر همه واجب هستند و استثناء ندارند و دیگر نمی توان گفت که واجب کفائی هستند، برای نمونه یک روایت از اصول کافی می خوانیم، خبر این است: ﴿عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن أبي الحسن علي بن يحيى - فيما أعلم - عن عمرو بن مدرك الطائي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لأصحابه: أي عرى (دستگیره و محور) الإيمان أوثق؟ فقالوا: الله ورسوله أعلم، وقال بعضهم: الصلاة وقال بعضهم: الزكاة وقال بعضهم: الصيام وقال بعضهم: الحج والعمرة وقال بعضهم: الجهاد، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل ما قلتم فضل وليس به ولكن أوثق عرى الإيمان الحب في الله والبغض في الله وتوالي أولياء الله والتبري من أعداء الله﴾^۱، بنابراین معروف در اسلام به این اندازه وسعت دارد، الان نیز نسبت به آمریکا و استکبار و نقشه های آنها همه مسلمانان باید حساسیت داشته باشند و اگر اینطور نباشد کار پیش نمی رود و اسلام نیز می خواهد در قرارگاهی که قرار است اسلام ترویج شود همه مسلمانان مجهز باشند چه امور قلبی باشد و چه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و امثال ذلک پس با این دید باید به وجوب امر به معروف و نهی از منکر نگاه کرد تا مقصود حضرت باقر علیه السلام حاصل شود. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

^۱ اصول کافی، مرحوم کلینی، ج ۲، ص ۱۲۵، ط الإسلامیة.